

A Survey of Attitudes Towards Arabic Language Course among Twelfth Grade Students of Humanities, Experimental Sciences and Mathematical Sciences

Danesh Mohammadi Rakati^{*}, Yusef Nazari^{}**

Ali Nobahar^{*}, Zeinab Shojaei^{****}**

Abstract

Teaching Arabic language in schools encountered more challenges in comparison to other courses due to cultural and political reasons as well as the families and students' viewpoints about it. A survey of students' attitudes towards learning this language would be an effective step in policymaking and the compilation of textbooks in this regard. This study used the descriptive-survey method to analyze attitudes toward learning the Arabic language among twelfth-grade students of Kerman in the fields of literature and humanities, experimental sciences, and mathematical sciences. Moreover, this study investigated the attitude differences among the students in three fields of humanities, experimental and mathematical sciences, as well as attitude differences toward learning the Arabic language

* Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran, (Corresponding Author) d.mohammadi64@shirazu.ac.ir

** Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran, nazari.yusuf@shirazu.ac.ir

*** Graduated from Yazd University, Master's Degree in Arabic Language and Literature, Yazd, Iran, hajalinobahar1@gmail.com

**** Graduated from Arabic Language and Literature, Vali-e-Asr University of Rafsanjan, Rafsanjan, Iran, zeinabshojaei@gmail.com

Date received: 14/05/2022, Date of acceptance: 26/09/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

between the twelfth-grade girl and boy students of Kerman. The sample consisted of 337 girl and boy students studying in twelfth grade in Kerman. The results showed that the attitudes of most of the students in three fields of humanities, experimental sciences, and mathematical sciences towards three variables of interest in learning Arabic, the importance of Arabic course among other courses, and the content of Arabic course were negative; nevertheless, mathematics students showed more interest in learning Arabic in comparison to other students. Girl and boy students' attitudes did not show any significant differences.

Keywords: Arabic Language Teaching, Arabic Course, Textbooks, Attitude, Kerman Schools.



بررسی نگرش دانش‌آموزان شهر کرمان در پایه دوازدهم رشته‌های علوم انسانی، علوم تجربی و ریاضی به درس عربی

دانش محمدی رکعتی*

یوسف نظری**، علی نوبهار***، زینب شجاعی****

چکیده

آموزش زبان عربی در مدارس به دلایل فرهنگی، سیاسی و نوع نگاه خانواده‌ها و دانش‌آموزان از چند دهه پیش تاکنون نسبت به سایر دروس با چالش بیشتری مواجه بوده است. بررسی نگرش دانش‌آموزان به یادگیری این زبان، گام مؤثری در سیاست‌گذاری و تألیف کتاب‌های آموزشی خواهد بود. این پژوهش با روش توصیفی - پیمایشی به بررسی نگرش دانش‌آموزان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی کلاس دوازدهم شهر کرمان نسبت به یادگیری زبان عربی می‌پردازد. در این بررسی تفاوت نگرش‌های دانش‌آموزان سه رشته انسانی، تجربی و ریاضی و همچنین تفاوت نگرش دانش‌آموزان دختر و پسر نسبت به یادگیری زبان عربی بررسی شد. نمونه این پژوهش ۳۳۷ نفر از دانش‌آموزان پسر و دختر کلاس دوازدهم شهر کرمان هستند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که نگرش بیشتر دانش‌آموزان سه رشته علوم انسانی، تجربی و ریاضی در سه متغیر علاقه به یادگیری زبان عربی، اهمیت درس عربی در بین سایر دروس و محتوای

* دانشیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)،
d.mohammadi64@shirazu.ac.ir

** دانشیار زبان و ادبیات عربی، عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران،
nazari.yusuf@shirazu.ac.ir

*** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد،
hajalinobahar1@gmail.com

**** کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، انشگاه ولی عصر رفسنجان،
zeinabshojaei@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۴



درس عربی منفی است با این وجود دانش آموزان ریاضی علاقه بیشتری به یادگیری زبان عربی نسبت به دانش آموزان دیگر دارند. از نظر تفاوت بین دانش آموزان دختر و پسر، تفاوت معناداری بین نظرات دو گروه وجود نداشت.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان عربی، درس عربی، کتاب‌های درسی، نگرش، مدارس کرمان.

۱. مقدمه

نگرش یک حالت روانی اکتسابی است که در جامعه بر اساس تجارب، اعتقادات و محیط فرهنگی فرد شکل می‌گیرد (الزبون، ۲۰۰۹) و شامل باورها و احساسات انسان نسبت به یک مسأله است (Gomleksiz, 2010). به نقل از (Latchanna & dagnew, 2009). آقا احمدی و مبشرنیا (۲۰۰۸) معتقدند که «موضوع نگرش با مفهوم احساس خوب یا بد نسبت به یک شخص یا یک چیز همراه است. بنابراین مفهوم نگرش با یک صفت مثبت یا منفی همراه می‌باشد». در حوزه آموزش به دلیل تأثیر نگرش فرد در موفقیت وی در فرایند یادگیری، این بحث مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و متخصصان بوده است. اجزن (۱۹۸۸) معتقد است که ارتباط نزدیکی بین یادگیری و نگرش افراد وجود دارد (Gomleksiz, 2010). از نظر الیس (۱۹۹۴) نگرش منفی می‌تواند مانع یادگیری زبان شود. نگرش مثبت همچنین از نظر کسب و همکاران (۲۰۱۰) سبب افزایش انگیزه در فراگیران می‌شود (Gomleksiz, 2010). پژوهشی که معروف (۲۰۱۰) در مورد رابطه بین نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیر انتفاعی دمشق و پیشرفت تحصیلی آنها انجام داده است نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین پیشرفت تحصیلی و گرایش به یادگیری زبان انگلیسی وجود دارد.

در یادگیری زبان عربی در ایران به دلیل چالش‌های فرهنگی مثل نگرش خانواده‌ها، اختلاف نظر بین متخصصان آموزش این زبان و متولیان سیاستگذاری آموزش در مدارس، مسائل سیاسی بین ایران و کشورهای عربی، بحث نگرش و انگیزه دانش‌آموزان چه بسا با چالش‌های بیشتری نسبت به سایر دروس مواجه است. از این رو نگرش دانش‌آموزان نسبت به درس عربی و آموزش آن مسأله مهمی است که نقش مؤثری در برنامه ریزی، تألیف و آموزش این زبان ایفا می‌کند. آذرشب و همایونی (۱۳۹۴) نیز بر اهمیت توجه به مسائل روانشناسی آموزش زبان، عناصر شناختی و فراشناختی از قبل انگیزه، هیجان و هوش

تأکید می‌کنند و معتقدند که در آموزش عربی در ایران اغلب این موارد مورد غفلت قرار گرفته است.

از این رو پژوهش حاضر می‌کوشد به بحث و بررسی نگرش دانش‌آموزان نسبت به یادگیری زبان عربی در مدارس بپردازد. در این بررسی نگرش دانش‌آموزان به آموزش زبان عربی بر اساس سه متغیر علاقه و احساس نیاز آنها به یادگیری زبان عربی، نگرش آنها به ضرورت درس عربی در بین سایر دروس و نگرش آنها به محتوای کتاب درسی عربی بررسی می‌شود. بر این اساس سه سؤال اصلی پژوهش عبارتند از:

- ۱- نگرش دانش‌آموزان سال دوازدهم متوسطه رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی به یادگیری زبان عربی به چه صورت است؟
- ۲- آیا میان نگرش دانش‌آموزان رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی تفاوت معناداری در یادگیری زبان عربی وجود دارد؟
- ۳- آیا میان نگرش دانش‌آموزان پسر و دختر رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی در یادگیری زبان عربی تفاوت معناداری وجود دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

رسولی (۱۳۸۴) در مقاله «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران» به این نتیجه رسید که ضعف دانشجویان در زبان عربی را می‌توان در چهار محور دانشجویان، استادان، برنامه‌های درسی و ابزارهای آموزشی تجزیه و تحلیل کرد. اختری (۱۳۸۵) به بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران به درس عربی و عوامل مرتبط با آن پرداخته است. نتایج به دست آمده بیانگر نگرش منفی دانش‌آموزان به درس عربی است که بین دختران و پسران مشابه بوده است. پایه‌های تحصیلی و جنسیت نیز تأثیری روی نوع نگرش دانش‌آموزان نداشتند است. صدیق اورعی (۱۳۸۵) در مقاله «سنجش گرایش دانش‌آموزان دبیرستانی شهر مشهد به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن»، مهمترین عوامل مؤثر بر گرایش دانش‌آموزان به زبان عربی را در میزان جذابیت درس عربی، میزان اطلاع و موافقت دانش‌آموز با دلایل مفید بودن درس عربی، میزان اطلاع و موافقت دانش‌آموز با دلایل بی‌فایده بودن درس عربی و ... بررسی می‌کند. خاقانی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله خود به «بررسی علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان دبیرستان به درس عربی از دیدگاه دبیران

شهر شیراز» پرداخته‌اند و سه عامل ضعف محتوای کتب درسی، عدم تسلط حرفه‌ای دبیران و ضعف دانش تخصصی آنان را به ترتیب از عوامل کم‌علاقگی دانش‌آموزان به درس عربی دانسته‌اند. سلوی (۲۰۰۹) در پژوهش خود به بررسی نگرش دانش‌آموزان دبیرستان‌های دینی ولایت ترنجانو مالزی نسبت به مهارت خواندن زبان عربی به عنوان زبان خارجی پرداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر و دانش‌آموزان مدارس روستایی و شهری رابطه معنادار وجود دارد. نتایج این پژوهش بیان‌کننده نگرش منفی دانش‌آموزان در این مدارس نسبت به درس مهارت خواندن به زبان عربی است. علاء‌الدین (Aladdin) (۲۰۱۰) به بررسی نگرش فراگیران زبان عربی غیرمسلمان به یادگیری زبان عربی در مالزی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که این زبان‌آموزان نسبت به یادگیری زبان‌های خارجی نگرش مثبت بالا و نسبت به یادگیری زبان عربی نگرش مثبت متوسطی دارند. همچنین انگیزه الزام دانشگاه بیشتر از انگیزه درونی عامل یادگیری زبان عربی در بین این زبان‌آموزان بوده است. حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی میزان کارآمدی آموزش زبان عربی عمومی در مقطع متوسطه از نظر دبیران و دانش‌آموزان شهر کرمان پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که میزان انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی و میزان آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌ها و راهبردهای یادگیری این زبان پایین‌تر از حد مطلوب است. نامداری (۱۳۹۸) نیز به بررسی عوامل عدم توجه دانش‌آموزان دبیرستان در شهرستان گیان غرب نسبت به درس عربی پرداخته و از مهمترین عوامل آن کتاب درسی و تخصص معلمان و مهارت‌های پایین تکنولوژی آنها را سبب این کم‌توجهی دانسته است.

در زبان انگلیسی نیز پژوهش‌هایی از جمله گوملیکسیز (Gömlüksiz) (۲۰۱۰) که در در پژوهش خود به بررسی نگرش دانشجویان نسبت به یادگیری زبان انگلیسی در دانشگاه فرات ترکیه پرداخته است. رودی علی آبادی و همکاران (۱۳۹۸) نگرش دانش‌آموزان شهر چابهار را از منظر متغیرهای یک زبان و دوزبان و جنسیت نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی بررسی کرده‌اند. ابوالفضلی و صادقی (۱۳۹۶) نیز نگرش زبان‌آموزان انگلیسی نسبت به آموزش / یادگیری این زبان را با توجه به نقش رشته دانشگاهی، جنسیت و سن مورد بررسی قرار داده‌اند.

بررسی نگرش دانش‌آموزان شهر ... (دانش محمدی رکعتی و دیگران) ۱۶۳

از پژوهش‌های انجام شده سه پژوهش اختری (۱۳۸۵)، حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۴) و نامداری (۱۳۹۸) به این پژوهش نزدیک تر هستند. نوآوری این پژوهش نسبت به پژوهش اختری این است که پژوهش اختری به بررسی نگرش نزد دانش‌آموزان تهرانی پرداخته است و پانزده سال از انجام آن می‌گذرد ولی این پژوهش به بررسی نگرش دانش‌آموزان کرمانی آنها بعد از تغییرات اساسی صورت گرفته در آموزش و کتاب‌های درسی عربی می‌پردازد. پژوهش حکیم زاده و همکاران هم هرچند جامعه آن دانش‌آموزان کرمانی است ولی به بحث نگرش نپرداخته است بلکه میزان کارآمدی آموزش زبان عربی از نگاه دبیران و دانش‌آموزان مورد بررسی قرار گرفته است. پژوهش نامداری نیز که رویکرد متفاوتی نسبت به این پژوهش دارد.

۳. روش، ابزار، جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

این پژوهش با روش توصیفی - پیمایشی انجام شده است و پرسشنامه آن برگرفته از پرسشنامه خانم رباب تدینی، (۱۳۸۵)، «مقایسه تأثیر برنامه درسی مدرسه محور و برنامه درسی مرسوم زبان انگلیسی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش فراگیران بزرگسال زن سال سوم راهنمایی»، پایان نامه کارشناسی ارشد - دانشگاه تبریز، ۱۳۸۵، است که روایی و پایایی آن تایید شده است. در پژوهش تدینی نگرش دانش‌آموزان نسبت به سه متغیر علاقه مندی و نیاز به یادگیری زبان انگلیسی، اهمیت درس انگلیسی در بین سایر دروس و نگرش به مؤثر بودن محتوای کتاب درسی مورد بررسی قرار گرفته است که با توجه به تشابه مبحث نگرش در یادگیری زبان‌های خارجی و همچنین اشتراک این سه متغیر با هدف این پژوهش که بررسی نگرش دانش‌آموزان به درس عربی است، این پرسشنامه مورد استفاده قرار گرفت. این پرسشنامه در اختیار سه استاد صاحب‌نظر در زمینه آموزش زبان عربی قرار گرفته و مورد تایید واقع شده است. برای تجزیه و تحلیل یافته‌ها نیز با استفاده از نرم‌افزار spss از پیش فرض آزمون پارامتری، آزمون تحلیل واریانس و آزمون t استفاده شده است.

پرسشنامه از سه متغیر: علاقه و نیاز، ضرورت زبان عربی به عنوان ماده‌ی درسی و نگرش به محتوای آموزشی تشکیل شده است و در بردارنده تعداد ۲۰ سوال می‌باشد. در این پرسشنامه از سوال ۱ تا ۷ مربوط به متغیر علاقه و نیاز، از سوال ۸ تا ۱۳ مربوط به متغیر

زبان عربی به عنوان ماده‌ی درسی و از سوال ۱۴ تا ۲۰ مربوط به متغیر محتوای آموزشی است.

در این پژوهش، پژوهشگران از درجه‌بندی مقیاس پنج‌گانه لیکرت استفاده کرده‌اند که به این صورت است: ۱- خیلی زیاد ۲- زیاد ۳- متوسط ۴- کم ۵- خیلی کم. جامعه‌ی آماری این پژوهش دانش آموزان سال دوازدهم رشته‌های ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی شهر کرمان هستند که تعداد ۳۳۷ نفر با روش نمونه‌گیری کوکران به عنوان نمونه انتخاب شدند. جدول زیر فراوانی تعداد جامعه و نمونه هر رشته بر اساس تعداد جامعه آن رشته نشان می‌دهدبا جنسیت آنها نمایش می‌دهد.

جدول ۱. جامعه و نمونه پژوهش

رشته تحصیلی	جنسیت	جامعه آماری	تعداد نمونه
ادبیات و علوم انسانی	پسر	۲۷۷	۳۴
	دختر	۴۹۵	۶۰
علوم تجربی	پسر	۵۱۰	۶۲
	دختر	۷۹۸	۹۷
علوم ریاضی	پسر	۲۳۳	۵۴
	دختر	۲۳۸	۳۰
جمع کل	۲۷۵۱	۳۳۷	جمع کل

۴. یافته‌های پژوهش

آمار استنباطی: برای بررسی فرضیه‌ها، ابتدا پیش فرض آزمون پارامتری، یعنی نرمال بودن داده‌ها در سطح معنی داری ۰/۰۵ سنجیده می‌شود:

جدول ۲. آزمون کولموگروف اسمیرنف جهت بررسی نرمال بودن داده‌های پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	p-مقدار (دو دامنه)	آزمون Z کولموگروف اسمیرنف
علاقه و نیاز به زبان عربی	۰/۰۶۷	۰/۱۱۱

۰/۰۸۴	۰/۱۱۸	درس عربی به عنوان ماده درسی
۰/۰۸۷	۰/۱۰۷	موثر بودن محتوای کتاب عربی

براساس نتایج به دست آمده از آزمون کولموگروف اسمیرنوف در جدول ۲، سطوح معنی‌داری در همه متغیرهای آزمون بیشتر از ۰/۰۵ می‌باشد. در نتیجه می‌توان پذیرفت که توزیع متغیرها، نرمال می‌باشد، بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد.

۱.۴ فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی، تفاوت معنادار وجود دارد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۲۴/۲۰)، در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی (۲۴/۸۹) و در دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۷/۸۵) تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. همچنین بیشترین نمره میانگین علاقه و نیاز به زبان عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی، علوم تجربی و ادبیات و علوم انسانی می‌باشد.

جدول ۳. آزمون تعقیبی دانت تی سه

مقدار p-	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	رشته دوم	رشته اول
۰/۷۹۱	۰/۸۲۴	-۰/۶۸۵	علوم تجربی	ادبیات و علوم انسانی
۰/۰۰۰	۰/۸۴۸	-۳/۶۴۳	ریاضی و فیزیک	ادبیات و علوم انسانی
۰/۷۷۷	۰/۷۷۷	-۲/۹۵۸	ریاضی و فیزیک	علوم تجربی

با توجه به جدول ۳، در آزمون تعقیبی دانت تی سه بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > ۰/۰۵$)، ولی بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی، در سطح

معنی داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$) همچنین بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$).

فرضیه دوم: بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی، تفاوت معنادار وجود دارد.

تحلیل داده‌های این بخش نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۱۸/۴۷)، در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی (۲۰/۵۲) و در دانش‌آموزان رشته ریاضی و فیزیک (۱۹/۹۴) تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. همچنین بیشترین نمره میانگین ضرورت درس عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم تجربی، دانش‌آموزان رشته ریاضی و فیزیک و دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی می‌باشد.

جدول ۴. آزمون تعقیبی دانت تی سه

مقدار p-	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	رشته دوم	رشته اول
۰/۰۰۰	۰/۴۷۳	-۲/۰۵۴	علوم تجربی	ادبیات و علوم انسانی
۰/۰۴۳	۰/۵۹۷	-۱/۴۷۲	ریاضی و فیزیک	ادبیات و علوم انسانی
۰/۶۱۷	۰/۵۳۰	۰/۵۸۲	ریاضی و فیزیک	علوم تجربی

با توجه به جدول ۴، در آزمون تعقیبی دانت تی سه بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > 0/05$)، همچنین بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > 0/05$)، ولی بین میزان درس عربی به عنوان ماده درسی در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$).

فرضیه سوم: بین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی، تفاوت معنادار وجود دارد.

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که بین میانگین نمرات میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۲۴/۶۰)، در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی (۲۴/۷۰) و در دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۶/۶۳) تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض صفر رد می‌شود. همچنین بیشترین نمره میانگین موثر بودن محتوای کتاب عربی به ترتیب مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی، علوم تجربی و ادبیات و علوم انسانی می‌باشد.

جدول ۵. آزمون تعقیبی دانت تی سه

مقدار p-	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	رشته دوم	رشته اول
۰/۹۹۹	۰/۷۹۲	-۰/۱۰۲	علوم تجربی	ادبیات و علوم انسانی
۰/۰۴۵	۰/۹۲۵	-۲/۰۳۵	ریاضی و فیزیک	ادبیات و علوم انسانی
۰/۰۶۰	۰/۸۲۵	-۱/۹۳۳	ریاضی و فیزیک	علوم تجربی

با توجه به جدول ۵، در آزمون تعقیبی دانت تی سه بین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود دارد و فرض تحقیق تأیید می‌شود ($p > 0/05$)، ولی بین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم تجربی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$) همچنین بین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته علوم تجربی و علوم ریاضی، در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی‌شود ($p < 0/05$).

فرضیه چهارم: بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر و دختر، تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۶. آماره‌های آزمون t گروه‌های مستقل (دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر)

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها				آزمون لون برای برابری واریانس‌ها			
اختلاف فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		خطای انحراف استاندارد	اختلاف بین میانگین	t	مقدار p-	F هارتلی	
حد بالا	حد پایین						
۱/۷۲۸	-۱/۰۰۷	۰/۶۹۵	۰/۳۶۱	۰/۵۱۹	۰/۵۰۷	۰/۴۴۲	فرض برابری واریانس‌ها
۱/۷۲۱	-۰/۹۹۹	۰/۶۹۱	۰/۳۶۱	۰/۵۲۲			فرض نابرابری واریانس‌ها

در این سوال، p- مقدار محاسبه شده در آزمون لون، برابر با ۰/۵۰۷ می باشد که بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا آزمون لون معنی دار نمی باشد و فرض برابری واریانس‌ها، پذیرفته می شود، بنابراین باید از آزمون t بر اساس واریانس‌های برابر استفاده شود.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر (۲۵/۶۳) و دانش‌آموزان دختر (۲۵/۲۷) تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض صفر رد نمی شود.

به عبارت دیگر بین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر، در سطح معنی داری ۰/۰۵ تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی شود. همچنین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان پسر به مقدار ۰/۳۶ از میزان علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش‌آموزان دختر بیشتر می باشد که این مقدار تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

فرضیه پنجم: بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر، تفاوت معنادار وجود دارد

جدول ۷. آماره‌های آزمون t گروه‌های مستقل (دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر)

آزمون تی برای برابری میانگین‌ها				آزمون لون برای برابری واریانس‌ها			
اختلاف فاصله اطمینان در سطح		خطای انحراف	اختلاف بین	t	مقدار p-	F هارتلی	

بررسی نگرش دانش‌آموزان شهر ... (دانش محمدی رکعتی و دیگران) ۱۶۹

۹۵ درصد		استاندارد	میانگین				
حد بالا	حد پایین						
۰/۱۰۲	-۱/۵۳۴	۰/۴۱۶	-۰/۷۱۶	-۱/۷۲۳	۰/۴۴۴	۰/۵۸۶	فرض برابری واریانس‌ها
۰/۱۰۷	-۱/۵۴۰	۰/۴۱۸	-۰/۷۱۶	-۱/۷۱۲			فرض نابرابری واریانس‌ها

در این سوال، p -مقدار محاسبه شده در آزمون لون، برابر با $۰/۴۴۴$ می باشد که بیشتر از $۰/۰۵$ است، لذا آزمون لون معنی دار نمی باشد و فرض برابری واریانس‌ها، پذیرفته می شود، بنابراین باید از آزمون t بر اساس واریانس‌های برابر استفاده شود.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات میزان درس عربی به عنوان ماده درسی در دانش‌آموزان پسر ($۱۹/۴۱$) و دانش‌آموزان دختر ($۲۰/۱۲$) تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض صفر رد نمی شود.

به عبارت دیگر بین میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر، در سطح معنی داری $۰/۰۵$ تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی شود. همچنین درس عربی به عنوان ماده درسی در دانش‌آموزان دختر به مقدار $۰/۷۱$ از میزان ضرورت درس عربی در دانش‌آموزان پسر بیشتر می باشد که این مقدار تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

فرضیه ششم: بین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان پسر و دختر، تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۸. آماره‌های آزمون t گروه‌های مستقل (دانش‌آموزان پسر و دانش‌آموزان دختر)

اختلاف فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد		خطای انحراف استاندارد	اختلاف بین میانگین	t	مقدار p -	F هارتلی	
حد بالا	حد پایین						
۱/۱۶۹	-۱/۴۷۵	۰/۶۷۲	-۰/۱۵۳	-۰/۲۲۷	۰/۱۴۳	۲/۱۵۳	فرض برابری واریانس‌ها
۱/۱۵۱	-۱/۴۵۷	۰/۶۶۳	-۰/۱۵۳	-۰/۲۳۰			فرض نابرابری واریانس‌ها

در این سوال، p -مقدار محاسبه شده در آزمون لون، برابر با $۰/۱۴۳$ می باشد که بیشتر از $۰/۰۵$ است، لذا آزمون لون معنی دار نمی باشد و فرض برابری واریانس‌ها، پذیرفته می شود، بنابراین باید از آزمون t بر اساس واریانس‌های برابر استفاده شود.

بنابراین، می توان نتیجه گرفت که بین میانگین نمرات میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش آموزان پسر ($۲۵/۰۷$) و دانش آموزان دختر ($۲۵/۲۲$) تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض صفر رد نمی شود.

به عبارت دیگر بین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش آموزان پسر و دختر، در سطح معنی داری $۰/۰۵$ تفاوت معنی دار وجود ندارد و فرض تحقیق تأیید نمی شود. همچنین میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش آموزان دختر به مقدار $۰/۱۵$ از میزان موثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش آموزان پسر بیشتر می باشد که این مقدار تفاوت بسیار ناچیز است و از نظر آماری معنی دار نمی باشد.

۵. نتیجه گیری

در این پژوهش نگرش دانش آموزان دختر و پسر در سه رشته ادبیات و علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی کلاس دوازدهم شهر کرمان نسبت به درس عربی بررسی شد. علاقه مندی و نیاز به یادگیری زبان عربی، اهمیت درس عربی در بین سایر دروس و نگرش به مؤثر بودن محتوای کتاب درسی عربی، سه متغیر اصلی بررسی نگرش در این پژوهش بودند. تفاوت نگرش رشته‌های مختلف و همچنین تفاوت نگرش دانش آموزان دختر و پسر به این سه متغیر بررسی شد.

علاقه و نیاز به یادگیری زبان عربی از نظر رشته‌های مختلف: نتایج پژوهش نشان می دهد که علاقه و نیاز به زبان عربی در دانش آموزان هر سه رشته در سطح زیر متوسط قرار دارد. بیشترین میزان علاقه و نیاز به زبان عربی به ترتیب مربوط به دانش آموزان رشته علوم ریاضی ($۲۷/۸۵$)، علوم تجربی ($۲۴/۸۹$) و ادبیات و علوم انسانی ($۲۴/۲۰$) می باشد و بین میزان علاقه دانش آموزان رشته علوم انسانی و تجربی با رشته ریاضی تفاوت معناداری وجود دارد.

ضرورت درس عربی از نظر رشته‌های مختلف: در این متغیر هم نتایج پژوهش نشان دهنده این است که درصد کمی از دانش آموزان معتقد به ضرورت درس عربی هستند.

۲۰/۵۲ از دانش‌آموزان علوم تجربی، ۱۹/۹۴ از دانش‌آموزان رشته ریاضی و ۱۸/۲۷ از دانش‌آموزان رشته ریاضی به ضرورت درس عربی اعتقاد دارند که در این میان بین نظرات دانش‌آموزان علوم انسانی و تجربی تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

مؤثر بودن محتوی کتاب عربی از نظر رشته‌های مختلف: در این متغیر نیز درصد پائینی از دانش‌آموزان معتقد بودند که محتوای کتاب عربی مؤثر و مفید است. بین میانگین نمرات میزان مؤثر بودن محتوای کتاب عربی در دانش‌آموزان رشته ادبیات و علوم انسانی (۲۴/۶۰) و رشته علوم تجربی (۲۴/۷۰) با نمرات دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی (۲۶/۶۳) تفاوت معنی‌دار وجود دارد.

همچنین نتایج پژوهش نشان داد که بین نظرات دانش‌آموزان دختر و پسر در هیچ یک از متغیرهای مورد بررسی تفاوت معنی‌دار وجود نداشت.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش حاکی از این است که بیشتر دانش‌آموزان در پایه دوازدهم سه رشته علوم انسانی، تجربی و ریاضی نیازی به یادگیری زبان عربی و ضرورتی برای درس آن در بین سایر دروس نمی‌بینند. نتایج این پژوهش با پژوهش حکیم زاده و همکاران (۱۳۹۴) که میزان انگیزه و علاقه دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی را پایین‌تر از حد مطلوب دانسته‌اند هم‌خوانی دارد. مقایسه نتایج این پژوهش با پژوهش اختری (۱۳۸۵) که به بررسی نگرش دانش‌آموزان به درس عربی در تهران پرداخته است نشان می‌دهد که علی‌رغم تغییرات رویکردی در کتاب‌های درسی در ۱۵ سال گذشته همچنان درصد کمی از دانش‌آموزان نگرش مثبتی به درس عربی دارند. نیاز به یادگیری یک درس و ضرورت آن در بین سایر دروس و همچنین جذابیت محتوای کتاب درسی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در یادگیری آن درس است. صدیق اورعی (۱۳۸۵) نیز در پژوهش خود که به بررسی عوامل تأثیرگذار بر گرایش ۴۰۰ دانش‌آموز مشهد به درس عربی پرداخته است میزان آگاهی دانش‌آموزان از فایده درس عربی و میزان جذابیت این درس را از عوامل مهم تأثیرگذار بر گرایش دانش‌آموزان نسبت به درس عربی دانسته است. نامداری (۱۳۹۸) نیز در پژوهش خود که به بررسی عوامل کم‌علاقگی دانش‌آموزان مدارس گیلان غرب از نگاه

دانش‌آموزان و معلمان پرداخته است محتوای کتاب را از موارد تأثیر گذار بر علل کم علافگی دانش‌آموزان دانسته است.

از نظر نگارندگان هرچند نگرش خانواده‌ها، جامعه و مسائل سیاسی همانطور که آذرشب و همایونی (۱۳۹۴) در بررسی نقش فرهنگ در سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی آموزش زبان عربی در ایران، بر آن تأکید کرده‌اند بر نگرش دانش‌آموزان به یادگیری زبان عربی تأثیرگذار است اما مسأله‌ای که چالش اصلی تألیف کتب عربی در مدارس است تفاوت بین سیاست‌های آموزش زبان عربی در مدارس و نگاه مؤلفان، مدرسان و متخصصان آموزش زبان عربی است. از نظر سیاست‌های کلان آموزش عربی، هدف از آموزش این زبان در مدارس فهم متون دینی و متون ادب فارسی آمیخته با واژگان عربی است با این وجود براساس تجربه نگارندگان در حوزه آموزش زبان عربی، بسیاری از متخصصان آموزش زبان عربی در ایران معتقدند که آموزش عربی در مدارس باید مثل زبان انگلیسی با اهداف ارتباطی یعنی تقویت مهارت‌های شنیدن و سخن گفتن باشد. توجه این نظر این است که آموزش ارتباطی زبان عربی سبب می‌شود که هم دانش‌آموزان بعد از صرف اینهمه ساعت کلاسی، مهارت اولیه کاربرد این زبان را کسب می‌کنند و هم در تغییر نگرش آنان نسبت به کاربردی بودن زبان عربی تأثیر گذار است. به نظر می‌رسد که رویکرد مؤلفان در کتاب‌های جدید در برخی پایه‌ها مثل پایه دهم نیز به این سمت گرایش داشته است به صورتی که در این پایه به کتاب عربی مکالمه‌های روزمره برای آموزش مهارت سخن گفتن اضافه شده است.

هر چند توجه به بعد ارتباطی زبان عربی بویژه مهارت مکالمه عربی در تغییر نگاه دانش‌آموزان مؤثر خواهد بود اما در حال حاضر به علت تأکید سیاست‌گذاران آموزشی بر آموزش عربی با اهداف دینی حرکت به این سمت در کتاب‌های عربی امکان پذیر نیست لذا هر تلاش و رویکرد آموزشی خارج از این محدوده، اهداف چندانی محقق نخواهد کرد. توجه به بعد ارتباطی زمانی کارساز خواهد بود که همه عناصر برنامه درسی از سیاست‌ها، فلسفه آموزشی، نگاه مسئولان و برنامه ریزان، مؤلفان، مدرسان، متولیان و متخصصان آموزش یکی باشد و در مرحله اجرا نیز شرایط مدارس و مدرسان برای اجرای آن فراهم باشد در غیر این صورت با صرف اضافه کردن چند مکالمه به کتاب‌های درسی برخی پایه‌ها مثل پایه دهم تغییر ملموسی اتفاق نخواهد افتاد. از این رو پیشنهاد نگارندگان

بررسی نگرش دانش‌آموزان شهر ... (دانش محمدی رکعتی و دیگران) ۱۷۳

این است که در شرایط فعلی بهتر است تأکید بر مهارت خواندن و نه مکالمه باشد. طبیعتاً رویکرد فعلی کتاب‌های عربی هم متن محوری است اما به نظر نگارندگان آموزش مهارت خواندن یا فهم متن در کتاب‌های عربی فاقد مبانی اولیه آموزش این مهارت است. نوع متون، میزان دشواری آنها، نوع واژگان، ساختارهای زبانی، افکار و مضامین مطرح شده و نوع تمرین و فعالیت‌ها ایرادات اساسی دارد و باید مورد بازبینی قرار گیرد.

کتاب‌نامه

- ابوالفضل، زینب و صادقی، کریم (۱۳۹۶). «نگرش زبان‌آموزان زبان انگلیسی نسبت به آموزش/ یادگیری زبان انگلیسی: نقش رشته دانشگاهی، جنسیت و سن، پژوهش‌های نوین در مطالعات زبان انگلیسی»، دوره ۵، شماره ۱، صص ۱-۲۶.
- اختری، طاهره (۱۳۸۵). «عربی و عوامل مرتبط با آن»، دو ماهنامه علمی و پژوهشی دانشگاه شاهد، سال سیزدهم، شماره ۱۸، صص ۴۵-۵۶.
- آذر شب، محمدعلی، همایونی، سعدالله (۱۳۹۴). «واکاوی فرهنگ و نقش آن در سیاست‌گذاری‌های برنامه‌ریزی‌های آموزش زبان (مطالعه موردی: آموزش زبان عربی در ایران)»، علم زبان، سال ۳، شماره ۵، صص: ۸۹ تا ۱۱۶.
- تدینی، رباب (۱۳۸۵)، «مقایسه تأثیر برنامه درسی مدرسه محور و برنامه درسی مرسوم زبان انگلیسی بر پیشرفت تحصیلی و نگرش فراگیران بزرگسال زن سال سوم راهنمایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد آموزش زبان انگلیسی، تبریز: دانشگاه تبریز.
- حکیم‌زاده و همکاران (۱۳۹۴). «بررسی میزان کارآمدی آموزش زبان عربی عمومی در مقطع متوسطه، از نظر دبیران و دانش‌آموزان شهر کرمان»، مجله جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۲۳)، خرداد و تیر، صص ۷۷-۱۰۶.
- خاقانی، محمد و همکاران (۱۳۸۵). «بررسی علل کم‌علاقگی دانش‌آموزان دبیرستان به درس عربی از دیدگاه دبیران شهر شیراز»، مجله الجمعية العلمية الإيرانية للغة العربية وآدابها، بهار و تابستان، دوره ۲، شماره ۵، صص ۸۹-۱۰۷.
- رسولی، حجت (۱۳۸۴). «ریشه‌یابی مشکلات آموزش زبان عربی در دانشگاه‌های ایران (مبانی تعریف گرایش‌ها)»، پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۴۸-۴۷، صص ۴۳-۵۸.
- رودی علی‌آبادی، ثریا و همکاران (۱۳۹۸). «بررسی نگرش نسبت به یادگیری درس زبان انگلیسی دانش‌آموزان شهر چابهار: نقش یک زبانه، دو زبانه و جنسیت، پژوهش‌های زبانشناختی در زبان‌های خارجی»، دوره ۹، شماره ۲، تابستان، صص ۴۷۹-۴۹۲.
- الزبون، محمد سلیم (۲۰۰۹). «اتجاهات طلبة الجامعات الأردنية نحو مادة التربية الوطنية وانعکاس ذلك على درجة تمثلهم للعديد من مفاهيمها»، العلوم التربوية، المجلد ۳۶، العدد ۱، صص ۱۳۳-۱۱۷.

سلوی، سیتی (٢٠٠٩). الاتجاهات نحو القراءة بالعربية في المدارس الثانوية الدينية بولاية ترنجانو، بحث تكميلي مقدّم لنيل درجة الماجستير في العلوم الإنسانية (تعليم اللغة العربية بوصفها لغة ثانية)، ماليزيا، كلية معارف الوحي والعلوم الإنسانية، الجامعة الإسلامية العالمية.

صديق اورعی، غلامرضا (١٣٨٥)، «سنجش گرایش دانش آموزان دبیرستانی شهر مشهد به درس عربی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان، صص ٥٧-٨١

معروف، سعاد و محمود ناصر، یونس (٢٠١٠)، «اتجاهات الطلبة نحو اللغة الإنكليزية وعلاقتها بالتحصيل لدى الجنسين في ضوء أنماط الإدارة الصفية السائدة» (دراسة مياأنطة على عينة من طلبة الصف الأول الثانوی في ثانویات مدينة دمشق الرسمية والخاصة)، مجلة جامعة دمشق، المجلد ٢٦، العدد (١+٢).

نامداری، إبراهيم (٢٠١٩)، «أسباب عدم اهتمام طلبة المدارس الثانوية بدروس اللغة العربية من وجهة نظر طالبات ومعلمی مدينة جیلان غرب»، مجلة دراسات في تعليم اللغة العربية وتعلمها، المجلد ٣، العدد ٢، الرقم للمسلسل للعدد ٦، صص ٣١-٤٨.

Gomleksiz, M.N (2010), "An evaluation of student's attitudes toward English language learning in terms of several variables", procedia social and behavioral sciences 9. Pp 913-918.

Aladdin, A (2010), "Nom- Muslim Malaysian Learners of Arabic (NMMLAs): an investigation of their attitudes and motivation towards learning Arabic as a foreign Language in multiethnic and multicultural Malaysia", procedia social and behavioral sciences 9, pp 1805-1811.